



خواجه شمس‌الدین محمدحافظ شیرازی



خواجه شمس‌الدین محمد بن بهاء‌الدین محمد حافظ شیرازی (زاده ح. ۷۲۷ قمری)، درگذشته ۷۹۲ قمری)، معروف به لسان‌الغیب، ترجمان الاسرار، لسان‌العرفا و ناظم‌الاولیا، شاعر بزرگ سده هشتم ایران (برابر قرن چهاردهم میلادی) و یکی از سخنوران نامی جهان است.

بیش‌تر شعرهای او غزل هستند که به غزلیات حافظ شهرت دارند. گرایش حافظ به شیوه سخن‌پردازی خواجهی کرمانی و شباهت شیوه سخنش با او مشهور است. او از مهم‌ترین تأثیرگذاران بر شاعران پس از خود شناخته می‌شود. در سده‌های هجدهم و نوزدهم اشعار او به زبان‌های اروپایی ترجمه شد و نام او به‌گونه‌ای به محافل ادبی جهان غرب نیز راه یافت. هرساله در تاریخ ۲۰ مهرماه مراسم بزرگداشت حافظ در محل آرامگاه او در شیراز با حضور پژوهشگران ایرانی و خارجی برگزار می‌شود. مطابق تقویم رسمی ایران این روز را روز بزرگداشت حافظ نامیده‌اند.

زندگی

اطلاعات چندانی از خانواده و اجداد خواجه حافظ در دست نیست و ظاهراً پدرش «بهاء‌الدین محمد» نام داشته و مادرش اهل کازرون بوده است.

در اشعار او که می‌تواند یگانه منبع موثق زندگی او باشد اشاره‌های اندکی از زندگی شخصی و خصوصی او یافت می‌شود. آنچه از فحوای تذکرها به دست می‌آید بیشتر افسانه‌هایی است که از این شخصیت در ذهن عوام ساخته و پرداخته شده است.

باین‌همه آنچه با تکیه به اشارات دیوان او و برخی منابع معتبر قابل‌بیان است آن است که او در خانواده‌ای از نظر مالی در حد متوسط جامعه زمان خویش متولد شده است. (با این حساب که کسب علم و دانش در آن زمان اصولاً مربوط به خانواده‌های مرفه و بعضاً متوسط جامعه



در مورد سال درگذشت او اختلاف کمتری بین مورخان دیده می‌شود و به نظر اغلب آنان ۷۹۲ قمری است.

ازجمله در کتاب مجمل فصیحی نوشته فصیح خوافی (متولد ۷۷۷ ق) که معاصر حافظ بوده و همچنین نجات الانس تألیف جامی (متولد ۸۱۷ ق) به‌صراحت این تاریخ به‌عنوان سال درگذشت خواجه قید شده است. محل تولد او شیراز بوده و در همان شهر نیز روی در نقاب خاک کشیده است. روایت است هنگامی که قصد دفن حافظ را داشتند، عده‌ای از متعصبان با استناد به اشعار حافظ درباره می‌گساری با دفن وی به شیوه مسلمانان مخالف بودند و در مقابل عده دیگر وی را فردی مسلمان و معتقد می‌دانستند. قرار شد که از دیوان حافظ فالی بکشند که این بیت آمد:

قدم دریغ مدار از جنازه حافظ که گرچه غرق گناه است، می‌رود به بهشت

این شعر همه را خاموش می‌کند.

آرامگاه حافظ در شیراز

آرامگاه حافظ در شهر شیراز و در منطقه حافظیه واقع شده است. امروزه این مکان یکی از جاذبه‌های مهم گردشگری به شمار می‌رود.

در زبان اغلب مردم ایران، رفتن به حافظیه معادل با زیارت آرامگاه حافظ گردیده است. برخی از معتقدان به آیین‌های مذهبی و اسلامی، رفتن به آرامگاه او را با آداب‌ورسوم مذهبی همراه می‌کنند. ازجمله با وضو به آتجا می‌روند و در کنار آرامگاه حافظ به نشان احترام، کفش خود را از پای بیرون می‌آورند.

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه که زیارتگر رندان جهان خواهد بود

آرامگاه حافظ در اسکناس و سکه‌های ایران

اسکناس‌های هزار ریالی ایران از سال ۱۳۴۱ ش تا سال ۱۳۵۸ با نمایی از آرامگاه حافظ چاپ و نشر می‌شد. سکه‌های پنج‌ریالی برنز ایران از سال ۱۳۷۱ ش تا سال ۱۳۷۸ به نقشی از آرامگاه حافظ آراسته شد.

دیوان حافظ

دیوان حافظ که مشتمل بر حدود ۵۰۰ غزل، چند قصیده، دو مثنوی، چندین قطعه و تعدادی رباعی است، تاکنون بیش از چهارصد بار به اشکال و شیوه‌های گوناگون، به زبان فارسی و دیگر زبان‌های جهان به چاپ رسیده است.

شاید تعداد نسخه‌های خطی ساده یا تذهیب شده آن در کتابخانه‌های ایران، افغانستان، هند، پاکستان، ترکیه و حتی کشورهای غربی از هر دیوان فارسی دیگری بیشتر باشد. نکته خاصی که در دیوان حافظ وجود دارد، کثرت نسخه‌هایی با مفردات و واژه‌های گوناگون است که این خصیصه باعث بروز تصحیحات متعدد و گاه متناقض هم در بین مصححان می‌شود.

انواع اشعار حافظ

حافظ را چیره‌دست‌ترین غزل‌سرای زبان فارسی دانسته‌اند، موضوع غزل وصف معشوق، می و مغالزه است و غزل‌سرای را باید هنری دانست ادبی که درخور سرود و غنا و ترانه‌پردازی است.

با آن‌که حافظ غزل عارفانه مولانا و غزل عاشقانه سده‌ی را پیوند زده، نوآوری اصلی او در تکبیت‌های درخشان، مستقل و خوش مضمون فراوانی است که سروده است. استقلالی که حافظ از این راه به غزل داده به میزان زیادی از ساختار سوره‌های قرآن تأثیر گرفته است که آن را انقلابی در آفرینش این گونه شعر دانسته‌اند.

ندیدم خوش‌تر از اشعار حافظ به قرآنی که اندر سینه‌داری

تأثیر قرآن در اشعار حافظ

بی‌تردید حافظ شیفته شیوایی زبان قرآن بوده و از صنایع و بدایع آن در شعر خود بهره برده است. بیشتر صنایع بدیع قرآن را که نزدیک به یک‌صد گونه دانسته‌اند، در دیوان حافظ می‌توان یافت. از پرشمارترین این صنایع می‌توان ایجاز، استعاره، ایهام، انسجام، ارسال‌المثل، ترصیع، تلمیح، تمثیل، تشبیه، تقابل، تکرار، توزیع، تناسب، جناس، تسمیط، کنایه، مقارنه و تقسیم را نام برد.

حافظ خواندن قرآن با چارده (چهارده) روایت را مایه افتخار خود می‌دانسته و گمان می‌رود به همین خاطر حافظ تخلص می‌کرده. در سراسر دیوان حافظ به ایبائی برمی‌خوریم که به‌صراحت به تأثیر قرآن در زندگی او اذعان داشته است:

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

حافظ و پیشینیان

یکی از باب‌های عمده در حافظ‌شناسی مطالعه کمی و کیفی میزان، گستره، مدل و ابعاد تأثیر پیشینیان و هم‌عصران بر هنر و سخن اوست. این نوع پژوهش را از دو دیدگاه عمده دنبال کرده‌اند: یکی از منظر استقلال، یگانگی، بی‌نظیری و منحصربه‌فرد بودن حافظ و اینکه در چه مواردی او این گونه است. دوم از دیدگاه تشابهات و همانندی‌های آشکار و نهانی که مابین اشعار حافظ و دیگران وجود دارد.

هرچند حافظ یکتا است؛ اما قالب‌های شعری استادان پیش از خود و شاعران معاصرش همچون خاقانی، نظامی، سنایی، عطار، مولوی، عراقی، سعدی، امیر خسرو، خواجهی کرمانی و سلمان ساوجی را نیز در بردارد این ویژگی کم مانند همراه با معانی عمیق و گاه دوپهلوی و نیز عالم‌گیری و روح بی‌مانند شعر او موجب شده تا از دیرباز شرح نویسان زیادی بر دیوان اشعار حافظ شرح بنویسند. بیشتر شارحان حافظ از دو قلمرو بزرگ زبان و ادبیات فارسی، یعنی شبه قاره هند و امپراتوری عثمانی، به صورت زیر برخاسته‌اند.

علاقه به شیراز

علاقه و دید حافظ به شیراز از منظر دیوان او و غزلیاتش به‌خوبی مشهود است و این اشارات با رویدادهای تاریخی زمان حافظ تطابق دارد؛ بنابراین در دیوان حافظ اگر غزلی شیوا و دلپسند خوانده می‌شود یقین در خلال ایبات آن رمز آسا یا آشکارا واقعاتی در روایتش و در اندیشه‌اش سیر می‌کند.

چراکه حافظ را نباید یک شاعر ساده‌اندیش و مبالغه‌گو به شمار آورد؛

زیرا وی پیش از اینکه حتی شاعر باشد به مسائل دینی و فلسفی و عرفانی کاملاً آشنایی داشته و بینش وی در منتهای دریافت تأملات و دقائق اجتماعی است؛ لذا دید و دل‌بستگی حافظ به شیراز از دو منظر قابل‌بررسی است: یکی مطابقت سروده‌هایش با رخدادهای جامعه که گاهی بر وفق مراد وی است و دیگر طبیعت متنوع و چهارفصل شیراز در آن برهه از زندگی حافظ.

حافظ بعد از تحصیلات و کنجکاو‌اش در فراگیری علوم زمان به عنوان جوانی می‌رسد. شهر شیراز به یمین دولت شیخ ابواسحق اینجو حکمران فارس از امنیت و آرامش کاملی برخوردار بود و مردم ازجمله شاعر جوان ما باکمال آسایش و راحتی روزگار می‌گذرانیدند. امکان خیر در شهر، مساجد، مدارس و خانقاه‌ها و املاک فراوانی که بر آنها وقف کرده بودند به‌وفور یافت می‌شد. شیخ ابواسحق پادشاهی آزادی‌خواه بود که مردم را در آزادی‌های اجتماعی مخیر می‌داشت. شیراز در یک زمینی هموار بناشده بود که دور شهر بارویی از زمان آل‌بویه برج مانده بود.

بدین ترتیب حافظ جوان نیز در این جامعه آزاد ابواسحاقی با شغف و مصلحت‌جویی زندگی می‌کرد و مسائل سیاسی زمان را به‌دقت زیر نظر داشت. شیراز که به گفته ابن‌بطوطه بهشت روی زمین به شمار می‌آمد و از هر سو طرب و شادمانی بر آن بارز، در این روزها شاهد جنب‌وجوش حافظ جوان بود که هم از ثروت بهره داشت و هم از دانش. او از حافظان قرآن بود و در همین زمان قاریان در شهر بودند که به آواز خوش قرآن می‌خواندند.

با یورش محمدمبارزالدین حکمران کرمان و یزد به شهر شیراز سلطنت ابواسحاق درهم‌پيچیده شد و این واقعه در شعر حافظ بازتابی تأسف‌انگیز دارد.

راستی خاتم فیروزه ابواسحاقی خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود دیدی آن فقیه کبک خرامان حافظ که ز سرپنجه شاهین قضا غافل بود

دوران بعد از ابواسحاق زمان استبداد مبارزالدین بود که شاعری حاکی از خشم شاعر را به دنبال دارد. او پادشاهی تندخو و ستمکار و متعصب بود به‌طوری‌که حافظ اغلب او را «محتسب» می‌نامد و از اینکه آزادی و امنیت مردم را ضایع کرده حافظ در اندیشه آزار دادن اوست. ازاین‌جهت برخلاف عقیده محتسب به سرودن اشعاری تند به الفاظی از (می- میخانه- باده- مغ) می‌پردازد.

دوش بر یاد حریفان به خرابات شدم خم می‌دیدم خون در دل و پا در گل بود

اگرچه باده فرح‌بخش و باد گل‌بیزست به بانگ چنگ مخور باده که محتسب تیزست

محتسب داند که حافظ عاشق است و آصف ملک سلیمان نیز هم

حافظ ستم بر همشهریان را برنمی‌تافت و رندانه در احقاق حق مردم تلاش می‌کرد تا اینکه شاه شجاع پدر ریاکارش را کور کرد و خود به‌جای او نشست و حافظ نیز چنین بهشارتی را به شیرازی‌ها می‌دهد که: **ای دل‌بشارتی دهمت محتسب نماد وز وی جهان پرست و بت میگار هم**

دوران حکومت شاه شجاع دوباره آزادی و شادمانی مردم را به دنبال داشت و حافظ نیز به مراد دیرینه خود رسید که:

سحر ز هاتف غنیم رسید مژده به گوش که دور شاه شجاع است می‌دلیر بنوش

نکته دوم راجع به علاقه و دید حافظ به شیراز چنان‌که گذشت طبیعت سرسبز و مناظر بدیع و باغات دلگشای شیراز بود. بهار شیراز و عطر پوشانده بودند و انواع میوه‌ها که در خاک شیراز پرورش می‌یافت دل از بیننده می‌ربود. گردشگاه‌های فراوان که از زمان سعدی نیز باقی‌مانده بود مردم را به‌طرف خود می‌کشاند.

تنها حافظ نبود که «تسیم خاک مصل و آب رکن‌آباد» او را اجازه سیروسفر نمی‌داد. در بین تفرجگاه‌های شهر یکی «تکیه سعدی» نزدیک سرچشمه رکن‌آباد در تنگ الله‌اکبر و دیگر باغ و زاویه سعدی. از نگاه حافظ

شیراز و آب رکنی و این باد خوش‌نسیم عیش مکن که خال رخ هفت‌کشور است

فرق است از آب خضر که ظلمات جای اوست تا آب ما که منبعش الله‌اکبر است

شاعر آرمان‌طلب شیراز با نگاه تیزبین خود به بهار باصفای شهرش «تسیم روضه» شیراز را بدرقه راه مسافران می‌کند.

دلا رفیق سفر بخت نیکخواهت بس نسیم روضه شیراز پیک راهت بس حافظ برخلاف سعدی دل از شیراز برنکند و به سفر طولانی نپرداخت یا اگر به سفری رفت یقین طولانی نبوده است.

در مقام مقایسه نیز شیراز را بر شهر اصفهان رجحان می‌دهد.

اگرچه زنده رود آب حیات است ولی شیراز ما از اصفهان به بلکه عمر خود را در شیراز که از صفا و زیبایی آن شهر و همچنین گلگشت مصل و آب رکن‌آباد خوش‌دل بود، صرف نمود. زیبایی طبیعت و روانی طبع شاعر نگرش عمیق او را در محیط پیرامون خود عین کرده بود؛ لذا با نگاهی دقیق به مجموع غیب‌گویی نکرده، ولی از آنجا که به ژرفی و با برمعنایی زیسته است و چون سخن و شعر خود را از عشق و صدق تعلیم گرفته، کار بزرگ هنری او آینده‌دار طلعت و طینت فارسی‌زبانان گردیده است.

مرا تا عشق تعلیم سخن کرد حدیثم نکته هر محفلی بود مگو دیگر که حافظ نکته‌دان‌ست که ما دیدیم و محکم جاهلی بود

روز بزرگداشت حافظ بیستم مهرماه برابر با یازدهم اکتبر روز بزرگداشت حافظ است که در این روز جشن‌ها و برنامه‌های ملی و بین‌المللی فرهنگی متنوعی در شیراز و سایر نقاط جهان برگزار می‌شود. این روز در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران با عنوان روز بزرگداشت حافظ ثبت شده است. عمده برنامه‌های این روز شامل شب‌شعر، گل‌افشانی آرامگاه حافظ، نمایش و رونمایی از دیوان‌های شعر حافظ، نورافشانی ... است.